

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی و اقتصادی در شهر اصفهان

ابوظالب عزیزی^۱، سارا سیدیان هاشمی^{۲*}

۱- دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی و مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر و شهید رجایی شیراز

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

امروزه مفهوم توسعه اجتماعی و اقتصادی بسیار بیشتر از خود توسعه در محافل علمی مطرح شده است و بسیاری از جوامع از آن به عنوان مهمترین الگوی پیشرفت یاد می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی و اقتصادی در شهر اصفهان به روش پیمایشی انجام شده است و جامعه آماری پژوهش شامل همه شهروندان اصفهان بوده است که به کمک فرمول کوکران ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و روش نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، نمونه‌گیری تصادفی بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که متغیرهای کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه به ترتیب دارای بیشترین سهم برای پیش‌بینی متغیر توسعه اجتماعی و اقتصادی شهروندان شهر اصفهان هستند. این پنج متغیر در مجموع ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه اجتماعی و اقتصادی) را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه اجتماعی و اقتصادی، کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی، درآمد سرانه.

مقدمه و بیان مسأله

بسیاری از اندیشمندان توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی، مانند کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف می‌کنند و از نظر آنها توسعه علاوه بر اینکه به بهبود میزان تولید و درآمد منجر می‌شود، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد (حکیمی‌نیا و صادق‌زاده، ۱۳۹۱). در همین راستا توسعه به شکل‌های متعددی در بین اندیشمندان تعریف و شاخص‌سازی شده است و حتی می‌توان گفت که برداشت افراد از مفهوم توسعه فرآیندی همه‌جانبه است که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه می‌شود. در بررسی روند تحولات و توسعه جوامع بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن تأکید می‌شود. از نظر آدلمن و موریس تعریفی شایسته از توسعه به سادگی امکان‌پذیر نیست، چرا که سطح بالایی از نابرابری که در برخورداری طبیعی و ساختار اقتصادی، میراث فرهنگی و نهادهای اجتماعی و سیاسی بین نواحی مختلف جهان امروز موجود است، هر تلاشی را در راستای الگویی برای تفکیک جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته بی ارزش می‌کند (آدلمن و موریس^۱، ۱۹۷۳: ۱) و از کیا توسعه را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می‌کند (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۶۷). این تعریف برای مفهوم توسعه اقتصادی اجتماعی نزدیک‌تر است و از این رو می‌توان به این تعریف به عنوان پشتوانه نظری بحث اتکا کرد. توسعه در کلی‌ترین مفهوم خود به معنای بهبود کیفیت زندگی بشر است. بنابراین، انسان‌ها ثروت واقعی هر کشور را تشکیل می‌دهند. به عبارتی، مورد توجه قرار دادن انسان به عنوان یکی از زیربناهای توسعه این امکان را فراهم می‌کند تا کشورها با توجه به ارکان کلیدی شاخص توسعه انسانی (درآمد سرانه، امید به زندگی و نرخ باسوادی) در جهت ارتقای سطح کیفی کشورهاشان گام بردارند (حکیمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹).

توسعه به معنای تغییر و تحول سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد و دلیل این ادعا تغییراتی است که در شکل و محتوای زندگی بشر، پیوسته به وقوع می‌پیوندد و به بهبود اوضاع زندگی منتهی می‌شود. اما توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی آگاهانه برای پیشرفت جامعه یا مفهوم آکادمیک آن، پدیده‌ای منحصر به قرن بیستم است که از ۱۹۱۷ در شوروی آغاز شده و در طول زمان به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم با نگرش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (علائی، ۱۳۸۴: ۲). بعد از پایان جنگ جهانی دوم، به سبب تخریب و انهدام بخش وسیعی از اروپا و آسیای جنوب شرقی، احیای سریع مناطق تخریب شده در اولویت برنامه‌های جهانی قرار گرفت (پورافکاری، ۱۳۹۱: ۹۴). همچنین توسعه یکی از مباحث مناقشه‌آمیز سه دهه اخیر در ایران (بویره پس از انقلاب) بوده و مباحث پیرامونی آن همچون ابعاد توسعه، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در مباحث علمی داشته است. در عرصه جهانی اساساً تا قبل از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی هرگاه سخن از توسعه به میان می‌آمد، کمیت و کیفیت رشد و توسعه اقتصادی مطرح نظر قرار می‌گرفت، اما بعد از جنگ جهانی دوم و بویره پس از آنکه مفهوم توسعه فرهنگی از اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط یونسکو در مباحث توسعه مطرح شد، نقش عوامل فرهنگی^۰ اجتماعی در فرآیند توسعه و توسعه نیافتگی برجسته شد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

امروزه مفهوم توسعه روند متفاوتی را در کشورهای جهان طی کرده است و در برخی از کشورها نتایج نامطلوب آن به تخریب محیط زیست و آسیب به منابع طبیعی منجر شده است و در برخی کشورهای دیگر به عنوان یک هدف والا و مهم تعریف شده است. توسعه در کشور ما مفهومی بینابینی داشته و در بخشی از مناطق نتایج نامطلوبی را نیز به دنبال داشته است. در نهایت اگر مفهوم توسعه مقوله‌ای اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته شود، با شاخص‌های چون رفاه فردی، درآمد سرانه، برابری قدرت خرید، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی تعریف می‌شود، اما مفهوم توسعه اقتصادی به تنهایی اغلب با رشد اقتصادی یکی شمرده می‌شود و هم شامل رشد کمی اقتصاد است و در ضمن مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی در بطن خود دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۴). اما توسعه اقتصادی^۰ اجتماعی رشد و تعالی مستمر اقتصادی یک جامعه برای رسیدن به یک رفاه فردی و اجتماعی است. این دگرگونی تنها از

طریق تحولاتی شکل می‌گیرد که از بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه حاصل آمده باشد (حکیمی‌نیا و صادق‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۰). بنابراین در این پژوهش ضمن در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه اقتصادی اجتماعی، میزان رفاه فردی، درآمد سرانه، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان مورد سنجش واقع شده و سهم هر کدام در میزان توسعه کلی شهر اصفهان در نظر گرفته شده است.

ادبیات نظری پژوهش

توسعه

واژه توسعه^۱ از نظر لغوی به معنی بسط یافتن، درک کردن، تکامل و پیشرفت است. گرچه این واژه از قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) برای توضیح برخی پدیده‌های اجتماعی بکار رفته است، لیکن استفاده وسیع از این واژه به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ مربوط می‌شود. در آن موقع، این واژه مترادف با نوسازی، رشد، صنعتی شدن و برای تعبیرات و اصطلاحات مشابه به کار می‌رفت. توسعه در یک تعریف دیگر به معنی "خروج از لفافه" است. "لفافه" از دیدگاه صاحب‌نظران نسل اول توسعه، به معنی خروج از جامعه سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است. به اعتقاد آنها برای دستیابی به توسعه باید از مرحله سنتی خارج شد و به تجدید رسید. الگویی که مورد توجه افرادی چون "لرنر، شرام و راجرز" بود. اما امروزه مفهوم توسعه از دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران، همه ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد. توسعه از نیازهای انسانی آغاز می‌شود تا به مسائل مربوط به زندگی معنوی انسان نیز برسد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۴). در تعریف توسعه نکاتی را باید مد نظر داشت که مهمترین آنها عبارتند از اینکه؛ اولاً توسعه را مقوله‌ای ارزشی تلقی کرد، ثانیاً آن را جریانی چند بعدی و پیچیده دانست، ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه کرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴). به همین خاطر توسعه مفهومی است که از آغاز دوران مدرنیته از سوی نظریه پردازان برای کشورهایایی که از سطح پائین رشد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار بودند مطرح شد. هدف اولیه نظریه پردازان از مفهوم توسعه ارائه الگو و

مدلی برای حرکت جوامع مختلف به ویژه به سبک کشورهای غربی بود. با این حال کم کم مفهوم توسعه دچار پیچیدگی و تعریف های متعدد و مبهمی شد؛ به طوری که ارائه یک تعریف جامع برای آن مشکل شد. در یک تعریف توسعه به بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی را گویند که در رابطه بین دولت و ملت بوجود می آید و شرایط مناسبی را از امنیت، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، رشد اقتصادی و رفاه مالی و غیره را مهیا می کند (عنبری، ۱۳۹۰). همچنین از نظر مایکل تودارو توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و بسوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می یابد (تودارو، ۱۳۷۷: ۳۴).

توسعه اقتصادی^۱:

توسعه اقتصادی اغلب اشتباهاً با رشد اقتصادی یکی شمرده می شود هم شامل رشد کمی اقتصاد است و در ضمن مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی در بطن خود دارد (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۴). توسعه اقتصادی رشد و تعالی مستمر اقتصادی یک جامعه برای رسیدن به یک رفاه فردی و اجتماعی است. این دگرگونی تنها از طریق تحولاتی شکل می گیرد که از بنیان های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه حاصل آمده باشد (حکیمی نیا و صادق زاده، ۱۳۹۱). مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح شد. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه یافته) و کشورهای عقب مانده (یا توسعه نیافته). تجربیات توسعه در کشورهای جهان سوم

نشانگر تخریب جدی روابط و شبکه‌های سنتی موجود و هنجارهای اعتماد آمیز در خلال روند توسعه و جایگزین نشدن آنها با نهادهای قوی و ریشه‌دار اجتماعی است. بی توجهی به آثار جنبی اوایت توسعه اقتصادی و برخورد تک شاخص در برنامه‌ریزی‌های توسعه، موجب شده است حتی در کشورهایی که روند نهادمندتری به مدرنیزاسیون اقتصادی داشتند، نیز شاهد زوال آشکار رشد باشند. باید بین دو مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالی که توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد نیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود (سلیمی فر، ۱۳۸۲؛ پورافکاری و همکاران، ۱۳۸۸).

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارآیی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید) و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد است. توسعه اقتصادی عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد، اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد، بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد (سلیمی فر، ۱۳۸۲).

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر) و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به

توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۵).

شاخص های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی می توان این موارد را برشمرد: الف. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار. البته لازم به ذکر است که هر ساله این مقادیر تغییر می کنند (سلیمی فر، ۱۳۸۲).

ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجا که شاخص درآمد سرانه از قیمت های محلی کشورها محاسبه می گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد (سلیمی فر، ۱۳۸۲).

ج. شاخص درآمد پایدار (SSI، GNA): کوشش برای غلبه بر نارسایی های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، به محاسبه شاخص درآمد پایدار منجر گردید. در این روش، هزینه های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می گردد نیز در حساب های ملی منظور گردیده و سپس میزان رشد و توسعه بدست می آید. (سلیمی فر، ۱۳۸۲).

د. شاخص های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از

شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. برای مثال، می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک گراناها (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد (سلیمی فر، ۱۳۸۲).

و. شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد) و دسترسی به آموزش که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است (سلیمی فر، ۱۳۸۲). در ادامه این نوع توسعه به طور مفصل بررسی می‌شود.

از قرن هجدهم و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه‌های اقتصادی ظهور نمود. این اندیشه‌ها، در پی تئوریزه کردن رشد در حال ظهور، علل و عوامل، راهکارهای هدایت و راهبری، و بررسی پیامدهای ممکن بود. از جمله مکاتب پایه در توسعه اقتصادی می‌توان به این موارد اشاره کرد (سلیمی فر، ۱۳۸۲)

پرفسور بلاک می‌گوید: توسعه اقتصادی عبارت است از: دستیابی به تعدادی از هدف‌ها، نمایان مطلوب و نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ° کسب معارف و فهم مهارت‌های جدید، بهبود در رفع نهادها و یا بطور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌های مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد. در تعریفی دیگر توسعه اقتصادی عبارت است از افزایش مداوم ظرفیت تولید یک جامعه که بر اساس تکنولوژی درون‌زا پی‌ریزی شده است.

توسعه اجتماعی

مفهوم توسعه اجتماعی بسیار جامع‌تر از توسعه اقتصادی است و ایده‌ها و اهداف گسترده‌تری را دنبال می‌کند، اما این اهداف و ایده‌ها و نیز مفهوم توسعه اجتماعی به طور دقیق تعریف نشده است. ابعاد گوناگون این مفهوم مورد بحث و محل اختلافات است و بعضی از شاخص‌های آن در حال شکل‌گیری و فرموله شدن است. توسعه اجتماعی بیانگر پدیده بهزیستی همه افراد جامعه است و نمی‌توان گفت که بهزیستی قابل اندازه‌گیری است، اما

بعضی از شاخص‌های کمی وجود دارند که تا حدی بهزیستی جامعه را نشان می‌دهند و بعضی از متغیرهای کیفی نیز با روش‌های آماری و ریاضی قابلیت تبدیل به متغیرهای کمی را دارند. توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسان‌ها است (کلانتری، ۱۳۷۷: ۲۱۱).

توسعه اجتماعی به صورت گسترده‌تر در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد جامعه از جمله بالا بردن سطح زندگی، فراهم آوردن بهداشت، مسکن، تغذیه، اشتغال و ... است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۷).

توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ به معنی مبارزه با فقر مطرح شد که مسئولیت اصلی مقابله با فقر به عهده دولت‌های ملی و نظارت آن بر عهده اجتماع بین‌المللی گذاشته شده بود. این نظارت در بیانیه ژنو بر رعایت حقوق بشر، بخشودگی بدهی‌های خارجی کشورهای فقیر، تجارت خارجی کشورها، سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی و نقش بانک جهانی تاکید داشت. شاخص‌های توسعه نیز عبارت بودند از: دسترسی به خدمات آموزشی، درصد جمعیت با سواد، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه و تغذیه مناسب، سطح بهداشت و کنترل بیماری‌ها، مسکن مناسب، برابری زن و مرد و ... مهمترین موضوع از این نظر توسعه انسانی و آن هم در عمل به معنی مقابله با فقر و نابرابری است که باید با سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تامین شود (ازکیا، ۱۳۸۴). موانع داخلی اجتماعی توسعه که شاید بخشی از مهمترین موانع توسعه هم باشند، در حالت کلی می‌توان به چهار دسته جمعیت و مهاجرت، وضع بهداشت و تغذیه، بی‌سوادی و نقص نظام آموزشی و فاصله طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی تقسیم کرد. البته باید در نظر داشت که موانع فرهنگی توسعه نیز مانند تقدیرگرایی، تجدد ستیزی، کمبود شناخت علمی و تضادهای قومی نیز، که از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، اصلی‌ترین موانع توسعه هم هستند، بصورت نتایج اجتماعی خود را نشان می‌دهند.

توسعه اجتماعی و اقتصادی

ارتباط و همبستگی بین فرایندهای توسعه اجتماعی - اقتصادی و فرم‌های فضایی همواره مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده است. اما به‌طور مشخص، با طرح و ظهور پارادایم علم فضایی و نقد تفکر استثنائگرایی در جغرافیا توسط کورت شیفر در سال ۱۹۵۳ و گسترش و تثبیت این پارادایم توسط اندیشمندانی چون پترهاگک، دیوید هاروی و تحقیقات جامعه‌شناسانی مانند وبر، هانری لوفور و امانوئل کاستلز در مورد تأثیرات متقابل فرم‌ها و فرایندها، بیش از پیش مورد توجه جدی جامعه‌شناسان قرار گرفته است. از این میان کاستلز و هاروی تأکید می‌کنند که شکل فضایی یک جامعه با مکانیسم‌های کلی توسعه آن ارتباط نزدیک دارد (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۲۳). البته هر یک از این دانشمندان به وجهی از این موضوع توجه کرده‌اند و آن را مورد تحقیق خود قرار داده‌اند، اما همه آن‌ها مقدمات لازم برای ایجاد پشتوانه‌های نظری محکم برای تصدیق این گزاره را فراهم آورده‌اند که فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی را به‌طور جدایی‌ناپذیری درهم آمیخته و به هم مربوط‌اند و لذا باید آن دو را به صورت مکمل یکدیگر در برنامه‌ریزی شهری و یا در طراحی محیط‌زیست در نظر داشت، تا بتوان در هر دو بعد به‌طور همزمان مسایل را حل کرد. ویلیام بادگریون نیز اظهار می‌دارد: "ما دائماً با لزوم تکامل ساختارها و اشکال روبه‌رو می‌شویم که در طی زمان توسعه می‌یابند و می‌توانند وحدت و یکپارچگی اجزای خود را در همه مراحل رشد حفظ کنند. فقدان چنین معنایی به نابودی و تخریب منجر خواهد شد." (جمیدی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۵).

پیشینه پژوهش

عظیمی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران به رابطه میان فرهنگ و توسعه اقتصادی پرداخته است. از نظر وی برای تحقق یافتن توسعه اقتصادی، انسان‌هایی مورد نیازند که ذهن و نگرش آنها متحول شده باشد، اگر قرار است پایه‌های علمی و فنی تولید امروزی شوند، آدم‌هایی که قرار است اینکار را متحقق سازند باید از وضعیت کنونی خود متحول شوند و ذهنیت مناسب را داشته باشند.

برارپور (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان سنجش وضعیت پایداری توسعه محلی در کلاردشت با استفاده از یک الگوی راهبردی به بررسی پارادایم‌های غالب در فرایند توسعه شهری در ایران پرداخته و بر بیشتر به ابعاد اقتصادی توسعه تأکید کرده است. این در حالی است که در دنیای امروز، استراتژی‌های توسعه اقتصادی بدون در نظر داشتن ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی آن، پویایی‌هایی را ایجاد می‌کند که به موجب آن، عوامل اصلی توسعه یافتگی به جای آن که به عنوان پیشران برای فرآیند توسعه عمل کنند، با تأخیرهای زمانی، در مقابل توسعه قرار می‌گیرند. در این حالت، این گونه توسعه‌ها را ناپایدار تلقی می‌کند.

صادقی ده‌چشمه، (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی جامعه شناختی مسأله اجتماعی - فرهنگی توسعه در شهرستان فارس، پرداخته است. محقق در این پژوهش از سه مقوله جامعه، فرهنگ و مدرنیته را شاخص پنداشته و از تئوری نوسازی استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که در این منطقه، باید دیدگاه‌ها و بینش‌های منفی که در جامعه به فراوانی مشاهده می‌گردد، اصلاح و به منطقه، ابزار عقلانیت، انتقاد، شادی و از همه مهمتر توجه به امور دنیائی و بالاحص سایه روش‌هایی از مدرنیته تزریق شود.

محمودیان و خدامرادی (۱۳۸۶) در پژوهشی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور معتقدند که صنعتی شدن و شهرنشینی تغییرات ساختاری به دنبال خود آورد و نهاد خانواده نیز از این تغییرات تأثیر خواهد پذیرفت، چرا که این دو عوامل نقش مهمی در کاهش باروری و افزایش امید به زندگی داشته است. نتایج گویای رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین توسعه و طلاق است. پس می‌توان با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ادعا نمود که با افزایش میزان توسعه یافتگی، طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند. به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر طلاق از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است که از مجموع هفت متغیر مستقل توسعه، قومیت، اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان، بعد خانوار، باروری، پیشرسی ازدواج زنان در معادله رگرسیونی فقط سه متغیر از متغیرهای تحقیق؛ یعنی توسعه، قومیت (کرد) و باروری رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته داشته‌اند و این سه متغیر در مجموع حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در نهایت متغیرهای توسعه، قومیت و باروری اثر مستقیمی روی طلاق داشته‌اند سهم متغیر توسعه از بقیه بیشتر بوده است. متغیرهای

تحصیلات عالی زنان و اشتغال زنان نیز روی توسعه تأثیر گذار بوده اند و اثر این دو روی طلاق غیرمستقیم بوده است.

سام آرام و همکارانش (۱۳۸۸) در بررسی موانع فرهنگی اجتماعی توسعه روستاها در لرستان نقش متغیرهای انسانی را برجسته تر از متغیرهای محیطی و زیست محیطی می دانند. در این پژوهش نزاع های جمعی - ازدواج های زود هنگام، فقدان گسترش آزادی های لازم در نظام مدیریتی و به عنوان متغیرهای اصلی در نظر گرفته شده است که با روش مقایسه ای مابین روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته با نمونه گیری خوشه ای، شکل گرفته است آنها علت توسعه نیافتگی روستاها را در مسائل اجتماعی فرهنگی آن منطقه می دانند و معتقدند که در منطقه باید جهت برقراری روابط و حقوق اجتماعی و امکانات، برنامه ریزی های جامعی صورت گیرد.

زاهدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان چالش های توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم، انواع توریسم را از نظر پایداری؛ به توریسم پایدار و توریسم ناپایدار تقسیم کرده و از گونه های مختلف توریسم، اکوتوریسم را بیش از سایر گونه های توریسم با توسعه پایدار سازگار دانسته است. وی ضمن بررسی عوامل انسانی نقش عوامل طبیعی را در بحث توسعه پایدار بسیار پررنگ تر می داند و از جمله می توان به گردشگری پرداخت. از نظر او توسعه و گردشگری در تعامل و ارتباطی دو طرفه با هم دیگر قرار دارند و هر کدام تأثیر به سزایی بر دیگری دارد.

آنچورنا^۱ و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان شبکه های اجتماعی و توسعه اقتصادی با بهره گیری از مدل تعادل عمومی به بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی (شاخصی برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. یافته های این تحقیق نشان داد که ۱- ناهمسانی در تعداد گره های اجتماعی می تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود. ۲- محاسبه انجام شده نشان داد که، کشورهای مورد مطالعه بدون وجود سرمایه اجتماعی تنها به ۱/۲ و ۳/۴ از میزان درآمد سرانه خود دست خواهند یافت. ۳- سرمایه اجتماعی می تواند کارایی سرمایه انسانی و یا بهره وری نیروی کار را افزایش دهد. ۴- آنها

اعتقاد دارند که افزایش در بهره‌وری می‌تواند سبب کاهش رفاه شود و این زمانی اتفاق می‌افتد که شبکه‌های اجتماعی هماهنگ، با هم شکل نگیرد. ۵ - گروه‌های اجتماعی که نشان دهنده سرمایه اجتماعی هستند، می‌توانند سبب کاهش در هزینه مبادله شوند.

فدریک^۱ و همکاران (۱۹۹۹)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین رشد و توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی نشان دادند که تمام اشکال سرمایه اجتماعی با یکدیگر برابر نیستند و مطمئناً برخی از اشکال سرمایه اجتماعی به منظور توسعه اقتصادی، مناسب‌تر از اشکال دیگر آن هستند. آنها معتقدند که اعتماد اجتماعی، همکاری و برقراری ارتباط را تسهیل می‌نماید و از این رو معضلات فعالیت‌های جمعی را کاهش داده و محرک‌های فرصت‌طلبی را کم می‌کند. نتیجه این است که، جوامعی که در درازمدت، دارای میزان زیاد سرمایه اجتماعی بوده‌اند، نسبت به جوامعی که دارای سطح پایینی از اعتماد اجتماعی بوده‌اند، به موفقیت‌های بیشتری در زمینه اقتصادی و اجتماعی دست یافته‌اند.

فرانکوئیس^۲ (۲۰۰۲) پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه» اعتماد متقابل و همکاری افراد را به عنوان معیاری برای مدل کردن ارتباط بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در نظر گرفته است. به این منظور افراد به طور کلی به دو دسته کارآفرین یعنی اشخاصی که ریسک‌پذیر هستند و پیمانکاران یعنی اشخاصی که ریسک‌گریزند، ولی در انجام فعالیت‌های اقتصادی با کارآفرینان همکاری می‌کنند، تقسیم شده‌اند. سپس با معرفی متغیری به عنوان درجه قابلیت اعتماد پیمانکاران، اثرات آنرا بر روی توابع ترجیحات کارآفرینان بررسی نموده و به این وسیله به بررسی نقش اعتماد در توسعه اقتصادی پرداخته است.

گروتاерт^۳ و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه خود تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه» بیان می‌کند که مطالعات مقطعی بین کشوری حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. این نتیجه موجب تقویت یافته‌های قبلی شد که حتی در کوتاه مدت بین اعتماد و رشد رابطه معناداری وجود دارد. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و

1 Fedderke

2 François

3 Grootaert

همیاری در بین مردم فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. همچنین آنها اشاره می‌کنند که یکی از مطالعاتی که در سطح خانواده صورت گرفته است، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی احتمال فقیر بودن یک خانواده فقیر را ۷,۳۶ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد.

اهداف پژوهش

- بررسی تاثیر رفاه فردی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی.
- بررسی تاثیر درآمد سرانه شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی.
- بررسی تاثیر برابری قدرت خرید شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی.
- بررسی تاثیر احساس عدالت اجتماعی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی.
- بررسی تاثیر کیفیت زندگی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی.

فرضیات پژوهش

- میزان رفاه فردی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.
- میزان درآمد سرانه شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.
- میزان برابری قدرت خرید شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.
- میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.
- میزان کیفیت زندگی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش در انجام پژوهش نقشی حیاتی دارد و پژوهشگر به کمک روش می‌تواند نحوه انجام پژوهش را به انجام برساند. این بررسی با توجه به موضوع و هدف پژوهش یک روش کمی است. روش کمی یک روش تحقیق جامعه‌شناختی است که شامل پرکردن پرسشنامه از جامعه‌ای که مورد مطالعه قرار می‌گیرد است، یا به عبارتی دیگر روش‌های کمی اغلب در سطح وسیعی به عنوان تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در علوم انسانی و رشته‌های دیگر

یا به عنوان یک تکنیک عام در سطوح مختلف است و هنگامی که حجم جامعه آماری بالا و قصد تعمیم به جوامع دیگر در میان باشد، بهترین روش است. بنابراین این بررسی به اقتضای موضوع پژوهش که بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی و اقتصادی در شهر اصفهان بوده و با توجه به امکانات موجود، روش پیمایش^۱ به منزله مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل همه شهروندان اصفهان بوده است که به کمک فرمول کوکران ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و برای اطمینان بیشتر ۴۱۰ مورد پرسشنامه تکثیر و توزیع شد. همچنین در این تحقیق روش نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای سنجش متغیرها، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم و بررسی فرضیه‌ها، از پرسشنامه‌های کتبی محقق ساخته استفاده شده و گویه‌های آن براساس پایه‌های نظری و تعاریف مفهومی، تدوین یافته است. به منظور اندازه‌گیری روایی سوالات پرسشنامه ابتدا تعداد ۳۲ پرسشنامه توسط نمونه مورد نظر تکمیل و از طریق آلفای کرونباخ، ضریب روایی سوالات محاسبه شد تا قابلیت همخوانی گویه لها مشخص شود. ضریب نهایی پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد و ضرایب برای متغیرها به طور جداگانه در جدول ۱ ارائه شده است. روش تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش با در نظر گرفتن فرضیات مطرح شده صورت گرفته است. لذا به منظور تجزیه و تحلیل فرضیات تحقیق با توجه به سطح سنجش و نوع متغیر از آزمون‌های مربوط به هر کدام استفاده شده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش توصیفی تحلیل‌های آماری از قبیل؛ فراوانی، درصدها و میانگین، استفاده شده است. در بخش استنباطی، با کمک تحلیل‌های آماری مورد نیاز؛ از آزمون ضریب همبستگی پیرسون^۲ و مدل رگرسیونی ارتباط بین متغیرها تحلیل و بررسی شده است.

1. Survey Method

2. Pearson Correlation

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ فرهنگ زیست محیطی و ابعاد آن

نام متغیر	ابعاد	گویه	آلفا	آلفای کل
توسعه اجتماعی و اقتصادی	رفاه فردی	۱۰	۰/۸۰	۰/۸۳
	درآمد سرانه	۵	۰/۷۳	
	کیفیت زندگی	۱۵	۰/۸۸	
	احساس عدالت اجتماعی	۱۰	۰/۸۴	
	برابری قدرت خرید	۱۰	۰/۸۵	

یافته‌ها و نتایج**- یافته‌های توصیفی**

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که از نمونه تحقیق ۲۱۸ نفر را مردان و ۱۸۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که این امر تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۳۸ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی بوده است و میانگین سنی پاسخگویان ۳۶ سال بوده است. همچنین نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین توسعه اجتماعی و اقتصادی نمره ۱۶۳/۲۶ از حد وسط نمره ۱۵۰ بوده است که گویای این واقعیت است که سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی شهروندان بیش از حد متوسط بوده است و در همین راستا میانگین تک تک ابعاد توسعه اجتماعی و اقتصادی نتایج مشابهی را نشان داد. بر همین اساس می‌توان گفت سطح متوسط رو به بالایی از توسعه اجتماعی و اقتصادی در شهر اصفهان وجود دارد که می‌توان نمودهای آن را در جامعه دید.

- یافته‌های استنباطی

از آنجایی که بخش استنباطی این پژوهش به دنبال سنجش اثر یک متغیر بر یک مفهوم یا شاخص کلی تر مانند توسعه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک آماری تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. در این پژوهش برای سنجش تک تک فرضیات از تحلیل رگرسیون تک متغیره و برای آزمون مدل کلی از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود.

فرضیات پژوهش

۱- میزان رفاه فردی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.

جدول (۲) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر میزان رفاه فردی شهروندان و

میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
رفاه فردی	۰,۴۱۴	۰,۱۷۲	۰,۶۸۵	۰,۴۱۴	۸,۸۹۹	۷۹,۱۸	۰,۰۰۰

در جدول شماره ۲، به منظور بررسی رابطه بین میزان رفاه فردی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی قوی ($R = 0,414$) بین میزان رفاه فردی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. مقدار $R^2 = 0,172$ نشان می‌دهد که متغیر میزان رفاه فردی توانسته است به تنهایی ۱۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. همچنین با توجه به مقادیر $T = 8,899$ ، $F = 79,18$ و $Sig = 0,000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۲- میزان درآمد سرانه شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.

جدول (۳) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر میزان درآمد سرانه شهروندان و

میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
درآمد سرانه	۰,۲۸۰	۰,۱۱۱	۰,۱۳۶	۰,۱۳۰	۲,۵۸۸	۷,۳۴۶	۰,۰۰۷

در جدول شماره ۳، به منظور بررسی رابطه بین میزان درآمد سرانه شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی نسبتاً قوی ($R = 0,280$) بین میزان درآمد سرانه شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. مقدار $R^2 = 0,111$ نشان می‌دهد که متغیر میزان درآمد سرانه توانسته است به تنهایی ۱۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. همچنین با توجه به

مقادیر $T = ۲,۵۸۸$ ، $F = ۷,۳۴$ و $Sig = ۰,۰۰۷$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می شود.

۳- میزان برابری قدرت خرید شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.

جدول (۴) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر میزان برابری قدرت خرید شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
برابری قدرت خرید	۰,۴۰۶	۰,۱۶۵	۰,۷۰۲	۰,۴۰۶	۸,۶۸۷	۷۵,۴۶	۰,۰۰۰

در جدول شماره ۴، به منظور بررسی رابطه بین میزان برابری قدرت خرید شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی قوی ($R = ۰,۴۰۶$) بین میزان برابری قدرت خرید شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰,۱۶۵$ نشان می دهد که متغیر میزان برابری قدرت خرید توانسته است به تنهایی ۱۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. همچنین با توجه به مقادیر $T = ۸,۶۸۷$ ، $F = ۷۵,۴۶$ و $Sig = ۰,۰۰۰$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر معنی دار است، لذا فرضیه فوق تایید می شود.

۴- میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.

جدول (۵) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
احساس عدالت اجتماعی	۰,۲۹۲	۰,۰۸۵	۰,۴۰۵	۰,۲۹۲	۵,۹۷۰	۳۵,۶۳	۰,۰۰۰

در جدول شماره ۵، به منظور بررسی رابطه بین میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی قوی ($R = 0,292$) بین میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. مقدار $R^2 = 0,085$ نشان می‌دهد که متغیر میزان احساس عدالت اجتماعی توانسته است به تنهایی ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. همچنین با توجه به مقادیر $T = 5,970$ ، $F = 35,63$ و $Sig = 0,000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۵- میزان کیفیت زندگی شهروندان بر میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی تاثیر دارد.

جدول (۶) آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیر میزان کیفیت زندگی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی

نام متغیر	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
کیفیت زندگی	0,477	0,227	0,557	0,477	10,60	112,36	0,000

در جدول شماره ۶، به منظور بررسی رابطه بین میزان کیفیت زندگی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک آماری رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی قوی ($R = 0,292$) بین میزان کیفیت زندگی شهروندان و میزان توسعه اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. مقدار $R^2 = 0,085$ نشان می‌دهد که متغیر میزان کیفیت زندگی شهروندان توانسته است به تنهایی ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. همچنین با توجه به مقادیر $T = 5,970$ ، $F = 35,63$ و $Sig = 0,000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

رگرسیون چندگانه

جدول (۷) رگرسیون چندمتغیره‌ی متغیرهای مستقل با تمایل به بزهکاری

نام متغیر	B	Beta	T	Sig
کیفیت زندگی	۰,۴۴۸	۰,۳۸۴	۹,۱۹	۰,۰۰۰
رفاه فردی	۰,۷۴۸	۰,۴۵۲	۷,۲۳	۰,۰۰۰
برابری قدرت خرید	۰,۳۸۹	۰,۳۲۲	۴,۲۳	۰,۰۰۰
احساس عدالت اجتماعی	۰,۲۰۷	۰,۱۷۲	۳,۷۰	۰,۰۰۰
درآمد سرانه	۰,۲۳۳	۰,۱۳۵	۲,۷۲	۰,۰۰۷

$$R^2=۰,۳۹۱ \quad ,R=۰,۶۲۵ \quad ,Sig=۰,۰۰۰ \quad F=۶۰,۸۰ \quad a=-۵,۰۹$$

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، که متغیرهای کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه به ترتیب دارای بیشترین سهم برای پیش بینی متغیر توسعه اجتماعی و اقتصادی شهروندان شهر اصفهان هستند. این پنج متغیر در مجموع ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه اجتماعی و اقتصادی) را تبیین می‌کنند. به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه از توسعه اجتماعی و اقتصادی به ترتیب ۰,۳۸۴ و ۰,۴۵۲ و ۰,۳۲۲ و ۰,۲۰۷ و ۰,۱۷۲ به انحراف استاندارد توسعه اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان افزوده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای که در جهت توسعه اجتماعی و اقتصادی تلاش می‌کند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا شاخص‌های کمی و کیفی توسعه اجتماعی و اقتصادی را تقویت و شاخص‌های منفی را تضعیف نماید. گاهی افزایش شاخص‌های مثبت و کاهش شاخص‌های منفی با هم در تعارض قرار می‌گیرد که در این صورت باید با توجه با شرایط زمان و مکان اولویت مهمتر را انتخاب نمود. توسعه اجتماعی و اقتصادی مفهومی است که در سال‌های اخیر به عنوان یک مسأله جهانی به آن نگریده شده است. این مفهوم، از دیدگاه‌های مختلف مورد

بررسی قرار گرفته و نهادهای بسیاری برای تحقق آن تلاش کرده‌اند. این مفهوم در بسیاری مواقع از آن به عنوان راهبرد مناسب برای کمک به کشورهای فقیر و مشکل‌دار چه به لحاظ اجتماعی و چه به لحاظ اقتصادی یاد شده است. ریشه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی منتج از توسعه و رشد اقتصادی در جوامع بوده و این الگو در صدد است تا فرایندی از توسعه را تأیید کند که بهبود به کیفیت زندگی انسان‌ها در این زمان و آینده منجر شود. در کشور ما سطح توسعه بسیار ناهماهنگ بوده و این ناهماهنگی در جوامع شهری و روستایی بیشتر ملموس است. همچنین شهرهای کشور نیز روند مشابهی را داشته‌اند. شاخص‌های متعددی در تعریف توسعه جوامع وجود دارد، اما چون این پژوهش به طور اختصاصی به تحلیل توسعه اجتماعی اقتصادی شهر اصفهان پرداخته بر شاخص‌های چون رفاه فردی، درآمد سرانه، برابری قدرت خرید، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی متمرکز شده است. از این رو نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داده است که متغیرهای کیفیت زندگی، رفاه فردی، برابری قدرت خرید، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه به ترتیب دارای بیشترین سهم برای پیش‌بینی متغیر توسعه اجتماعی و اقتصادی شهروندان شهر اصفهان هستند. این پنج متغیر در مجموع ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه اجتماعی و اقتصادی) را تبیین می‌کنند. بنابراین توسعه اجتماعی اقتصادی در اصفهان را می‌توان متأثر مقولات کیفیت زندگی افراد، سطح رفاه فردی شهروندان، برابری قدرت خرید آنها، احساس عدالت اجتماعی و درآمد سرانه شهروندان دانست. البته می‌توان گفت می‌توان ابعاد دیگری را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفت، اما نتایج بسیاری از پژوهش‌ها بر روی این شاخص‌ها اتفاق نظر دارند. همچنین بسیاری از افراد مفهوم توسعه را با پیشرفت یکی تلقی می‌کنند و اکثراً این مفاهیم را به جای همدیگر به کار می‌برند. بر اساس نظریات و تعاریف موجود پیشرفت را می‌توان برنامه‌ای هدفمند در جهت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب دانست، با توجه به تفاوت جوامع مختلف در وضعیت موجود و با عنایت به این نکته که وضعیت مطلوب هر جامعه متناسب با مبانی معرفتی فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و ایدئولوژیک آن جامعه تعریف می‌شود می‌توان ادعا کرد که وضعیت مطلوب جوامع مختلف با هم متفاوت است. این سخن به این معناست که هیچ برنامه و الگوی پیشرفتی تعمیم‌پذیر نیست و نمی‌توان نسخه آن را دقیقاً برای فرهنگ و کشوری دیگر

پیچید؛ اما با توجه به اینکه همه الگوهای پیشرفت معطوف به اهداف انسانی است، می‌توان مشترکاتی را میان این الگوها یافت و از تجارب سایرین استفاده کرد. بنابراین چنانچه در تغییرات جامعه ابعاد کمی و کیفی توسعه نیز توجه گردد، می‌توان گفت در حال پیشرفت هستیم و توسعه‌ای هدفمند را طی می‌نماییم.

منابع

- ۱- از کیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- ۲- از کیا، مصطفی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، نشر کیهان.
- ۳- برارپور، کورش. (۱۳۸۷). سنجش وضعیت پایداری توسعه محلی در کلاردشت با استفاده از یک الگوی راهبردی، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره: ۴۰، شماره: ۲.
- ۴- پژوهشگران، جمشید. (۱۳۷۶). اقتصاد خرد، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- ۵- پورافکاری، نصراله. (۱۳۹۱). نگرشی جامعه‌شناختی بر سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار در شوشتر، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، سال ششم، شماره (۱۷)، تابستان ۱۳۹۱.
- ۶- تأمین، ملوین. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توتیا، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۹.
- ۷- تودارو، مایکل. (۱۳۷۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۸- جمشیدی، محمد حسین. (۱۳۸۰). ظریه عدالت تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، ص ۵۸۱.
- ۹- حدادیان، عباس. (۱۳۷۵). عوامل بازدارنده فرهنگی اجتماعی توسعه در شهر خمینی شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد. علوم اجتماعی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- ۱۰- حکیمی‌نیا، بهزاد؛ صادق‌زاده تبریزی، محبوبه. (۱۳۹۱). مبانی نظری توسعه و توسعه پایدار، اصفهان: نشر کنکاش، چاپ اول.

- ۱۱- حکیمی نیا، بهزاد، نسرین قلانی، سید محسن خلیفه سلطانی. (۱۳۹۰) بررسی جامعه‌شناختی شاخص‌های کیفی توسعه انسانی کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیر نفتی با تاکید بر جایگاه ایران، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال پنجم - شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۰.
- ۱۲- حمیدی، ملیحه؛ حبیبی، محسن؛ سلیمی، جواد؛ صبری، رضا. (۱۳۷۶). استخوان بندی شهر تهران، طرح پژوهشی، کتابخانه مرکزی و مرکز اطلاع رسانی شهرداری اصفهان.
- ۱۳- ربانی، رسول؛ پورافکاری، نصرالله؛ کتابی، محمود؛ رئوفی، محمود. (۱۳۸۸). بررسی موانع فرهنگی ° اجتماعی توسعه با تاکید بر خاص گرایی (مطالعه موردی هرمزگان شهر بندرعباس)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم ° شماره پیاپی (۳۵) ° شماره ۳ - پاییز ۱۳۸۸: صص ۱۵۶-۱۳۵
- ۱۴- سام آرام، عزت الله. (۱۳۷۶). عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اعضای تعاونی روستای قلعه نو در سال ۱۳۷۳، نمایه پژوهش، فصلنامه اطلاع رسانی، سال اول، شماره ۲.
- ۱۵- سام آرام، عزت الله. (۱۳۸۶). بهره‌مندی روستاییان از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳۷.
- ۱۶- سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۸۲). اقتصاد توسعه، تهران: انتشارات موحد، چاپ اول.
- ۱۷- طالب، مهدی. (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- عنبری، موسی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۱۹- فرهنگ، منوچهر. (۱۳۷۴). فرهنگ علوم اقتصادی، تهران: نشر البرز.
- ۲۰- کلاتری، خلیل. (۱۳۸۰). برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات قومس.
- ۲۱- کلاتری، خلیل. (۱۳۷۷). «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱، مرداد و شهریور.
- ۲۲- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.

۲۳- مؤمنی، فرشاد. (۱۳۷۴)، کالبد شکافی یک برنامه توسعه، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۲۵.

- 24- Adelman, Irma; Morris, Cynthia Taft. (1973). *Economic Growth and Social Equity in Developing Countries*, Stanford; Calif.
- 25- Anchorena, J. and F. Anjos (2008), *Social Ties and Economic Development*, Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract>.
- 26- Desjeux, D. (1990) *Essay on Training in Culture*. Paris: UNESCO Publications.
- 27- Fedderke, J., R. De Kadt and J. Luiz (1999), *Economic Growth and Social Capital: a Critical Reflection*, *Theory and Society*, 28, 709-745.
- 28- François, P. (2002), *Social Capital and Economic Development*, Rutledge, First Published.
- 29- Grootaert, C. and T. Bastelaert (2002), *The Role of Social Capital in Development*, Cambridge: Cambridge Univ. Press.
- 30- Mahbub ul Hag (1980), *Employment and Income Distribution in the 1970 'S : A new perspective Development Digest*, October, P.7.
- 31- Misra, R. P. and A. L. Mabogunje (1981), *Regional Development Alternatives: International Perspectives*, Tokyo: Maruzen Co. Ltd.
- 32- World Health Organization Quality of Life Group. (1993). *Measuring Quality of Life: The Development of the World Health Organization Quality of Life Instrument*. Geneva: World Health Organization.